



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 16, Issue: 2
Autumn & Winter
2025-2026

Examining the Place of Detention and Arrest in the Criminal Justice System of the People's Republic of China

Fateme Fallahnezhad 

Assistant Prof Department of law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Email: fallahnezhad.law@pnu.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2025/04/03 Received in revised form: 2025/08/10 Accepted: 2025/08/25 Published online: 2025/12/22 Keywords: <i>Arrest, Arbitrary Arrest, Arbitrary Detention, Deprivation of Liberty, Illegal Detention, People's Republic of China.</i>	The right to personal liberty is a natural right and is considered a highly important issue in the domain of criminal justice. Article 9 of the ICCPR states: Everyone has the right to liberty of person. No one shall be subjected to arbitrary arrest or detention. No one shall be deprived of his liberty except on such grounds and in accordance with such procedures as are established by law. According to the presumption of innocence, safeguarding individual liberty comes to an end when individuals are found guilty of a crime. The right to personal freedom requires that no restrictions be imposed on anyone whose guilt has not been established by a court. On the other hand, access to the accused and the establishment of a fair criminal trial require that such a person face certain limitations on their freedom. Due to the nature of the subject, the present study is applied in terms of purpose and, in terms of data collection, uses a documentary method. Valid laws and sources were studied, and the obtained information was analyzed descriptively and analytically. The findings indicate that the right to personal liberty has been recognized in Article 37 of China's Constitution. The exercise of this right has also been referred to in China's CPL and CL. Nevertheless, according to China's judicial precedent and legal system, there have been cases of illegal and arbitrary detentions causing violations of the right to personal liberty. Cases such as judicial detention, administrative detention, and customs detention are considered arbitrary detentions.
How To Cite	Fallahnezhad, Fateme (2025). Examining the Place of Detention and Arrest in the Criminal Justice System of the People's Republic of China. <i>Comparative Law Review</i> , 16 (2), 1-27. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.391114.634730
DOI	10.22059/jcl.2025.391114.634730
Publisher	The University of Tehran Press.





بررسی جایگاه بازداشت و دستگیری در سیستم عدالت کیفری جمهوری خلق چین

فاطمه فلاح‌نژاد ✉

استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: fallahnezhad.law@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ کلیدواژه‌ها: بازداشت خودسرانه، بازداشت غیرقانونی، جمهوری خلق چین، دستگیری، دستگیری خودسرانه.	حق آزادی شخصی در زمره حقوق طبیعی و از مباحث بسیار مهم در حوزه عدالت کیفری تلقی می‌شود. مطابق ماده ۹ میثاق بین‌المللی، هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه و بدون مجوز دستگیر یا زندانی کرد؛ مگر طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون. مقتضای اصل برائت حفظ آزادی شخصی افراد تا پیش از احراز مجرمیت آنهاست؛ بنابراین از یک سو حق آزادی اشخاص اقتضا دارد که برای کسی که مجرمیت او از سوی هیچ دادگاهی احراز نشده است، هیچ‌گونه محدودیتی ایجاد نشود و از سوی دیگر لزوم دسترسی به متهم و برقراری دادرسی کیفری منصفانه مستلزم این است که چنین شخصی با محدودیت‌هایی در حوزه آزادی روبه‌رو گردد. با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و از طریق مطالعه قوانین، رویه قضایی و منابع معتبر انجام شده است و اطلاعات به‌دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که حق آزادی شخصی در اصل ۳۷ قانون اساسی چین به رسمیت شناخته شده و بر این مبنا ضمانت اجرا و محدودیت در اعمال این حق در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات مورد اشاره قرار گرفته است. با وجود این، طبق رویه قضایی و سیستم حقوقی این کشور مصادیقی از بازداشت و دستگیری‌های غیرقانونی و خودسرانه وجود دارد که باعث نقض حق آزادی شخصی می‌شود؛ مواردی مانند بازداشت قضایی، بازداشت اداری و بازداشت گمرکی در زمره بازداشت‌های خودسرانه تلقی می‌شوند.
استناد	فلاح‌نژاد، فاطمه (۱۴۰۴). بررسی جایگاه بازداشت و دستگیری در سیستم عدالت کیفری جمهوری خلق چین. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۶ (۲)، ۱-۲۷. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2025.391114.634730
DOI	10.22059/jcl.2025.391114.634730
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

حق آزادی شخصی در زمره حقوق طبیعی و از مباحث بسیار مهم در حوزه عدالت کیفری تلقی می‌شود. این حق مبنای حمایت از افراد در برابر سلب خودسرانه آزادی و همچنین قانونی بودن دستگیری و بازداشت است. از این رو، این حق زیربنایی برای دستیابی به دیگر آزادی‌ها و حق‌هاست؛ چراکه در شرایط نبود آزادی جسمانی و وجود تهدیدات امنیتی، امکان برخورداری از سایر حقوق و آزادی‌ها متزلزل می‌شود. در واقع، بهره‌مندی از حقوق بشر در بستر حق‌های زیربنایی همچون حق حیات و حق آزادی شخصی خواهد بود. آزادی شخصی پس از حیات در شمار دغدغه‌های خطیر انسان قرار می‌گیرد و از قدیمی‌ترین و بنیادی‌ترین حق‌های بشری است که در حوزه عدالت کیفری در زمره مباحث مهم قرار دارد. از این رو «آزادی»^۱ واژه دل‌پسند در برهه‌های مختلف تاریخ بوده است. «انسان آزاد است و باید آزاد بماند و هیچ مانع و قید خارجی او را محدود نسازد زیرا او قید عقل را در وجدان خود دارد قیدی که سبب آزادی او از پلیدی‌ها و موانع حرکت معقول است» (Katouzian, 1377: 392). واژه آزادی گستره مفهومی وسیعی را به ذهن متبادر می‌سازد و دربرگیرنده آزادی‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره است. از منظر یکی از حقوق‌دانان، آزادی عبارت است از حقی که به موجب آن، افراد بتوانند استعداد و توانایی‌های طبیعی خدادادی خویش را به کار اندازند؛ مشروط بر اینکه آسیب و زیانی به دیگران وارد نسازد (Hashemi, 1384: 96). قانون اساسی چین حقوق گسترده‌ای از آزادی را برای شهروندان به رسمیت می‌شناسد که عمدتاً شامل آزادی شخصی، آزادی بیان، آزادی اجتماعات و تظاهرات، آزادی اعتقادات مذهبی، آزادی ازدواج و غیره است که بر مبنای این حقوق و آزادی‌ها حمایت‌های قانونی را در مصادیق خاص مورد توجه و قانون‌گذاری قرار داده است. در مورد مصادیق حق آزادی اشخاص، بین حقوق‌دانان چین اتفاق نظر وجود ندارد. برخی معتقدند که حق آزادی اشخاص می‌تواند در دسته حقوق نسبتاً گسترده قرار گیرد که بعضی از آن حقوق شامل شأن و کرامت انسانی، آزادی جسمانی، آزادی ازدواج، امنیت خانه و محل سکونت می‌شود (xie, 1999: 145)؛ درحالی که عده‌ای دیگر اعتقاد دارند که آزادی شخصی باید شامل آزادی و حریم خصوصی مکاتبات نیز باشد. (Xuc, 1996: 416-420) و گروهی نیز بر این باورند که حق شهرت و حق حریم خصوصی باید به این حقوق اضافه شود. (Zhou, 2003: 151-156). رویه قضایی در مورد حقوق اساسی افراد در چین مقرر می‌کند که حقوق اولیه شهروندان از سوی دولت تعیین می‌شود، و مدت زمان مدیدی است که مسئولیت دولت برای تضمین این حقوق در تئوری و در سطح دانشگاهی چین به رسمیت شناخته شده است. سال ۲۰۰۴ که قانون اساسی اصلاح گردید، این بند در پاراگراف سوم اصل ۳۳ اضافه شد که «دولت حقوق بشر را تضمین می‌کند و به آن احترام می‌گذارد». این اصل قاعده مستحکم‌تری در قانون اساسی داشته، دو سطح از مسئولیت دولت

1. Liberty/ Freedom

را در تضمین حقوق اولیه روشن می‌سازد: اول اینکه «دولت به حقوق بشر احترام می‌گذارد» که به معنای تعهد منفعل یا منفی است که مستلزم عدم دخالت و عدم اقدام دولت است؛ و دوم، «دولت حقوق بشر را تضمین می‌کند» که تعهد مثبت و فعالانه دولت برای تضمین بهره‌مندی از حق از طریق قانون‌گذاری یا دیگر ابزارهای حمایتی و الزام‌آور است که قبل از اصلاحیه نیز مقرر شده بود (Zhou, 2003: 4).

مطابق اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران، وظیفه پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی و همچنین تحقق عدالت برعهده قوه قضاییه است. در راستای ایفای این نقش، اشخاص حق دارند از آثار و نتایج حقوقی و قضایی رفتار و اعمال خود و دیگران در حدود قانون آگاه باشند. بنابراین، مسئولیت قانونی دولت‌ها در حمایت از حقوق اولیه از آزادی افراد در دو حوزه است: اول اینکه ضمانت عموماً قانونی معتبر فراهم می‌کند که حقوق اولیه از سوی ارگان‌های دولتی نقض نشود؛ و دوم، قانون‌گذار باید جبران خسارات اشخاص در برابر اقدامات غیرقانونی اشخاص خصوصی یا نهادهای دیگر را ضمانت کند. بر همین مبنا، طبق بند سوم اصل ۴۱ قانون اساسی چین، شهروندانی که به دلیل نقض حقوق شهروندی خود از سوی ارگان‌های دولتی یا کارکردهای دولتی متحمل خسارت شده باشند، طبق «قانون جبران خسارت» حق جبران خسارت خواهند داشت. حق آزادی اشخاص در مفهوم رسمی قانون چین، یک نوع حقوق شکلی است که درواقع مانع محرومیت خودسرانه و غیرقانونی آزادی اشخاص می‌شود؛ هرچند ماهیت چنین حقوق شکلی در مواردی باعث تبعیض در کشور چین شده است (Malmgren, 2013: 36). در اصل ۳۷ قانون اساسی چین به حق آزادی اشخاص و نهاد تصمیم‌گیرنده در این زمینه اشاره شده است.

همان‌گونه که اشاره شد اصل آزادی که از حقوق بنیادین اشخاص است مبنای اغلب تضمین‌هایی است که در مرحله مقدماتی فرایند کیفری در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شده است. مقتضای اصل برائت که خود در قلب اصول حقوق کیفری جای دارد، حفظ آزادی شخصی افراد تا پیش از احراز مجرمیت آنهاست. طبعاً تحت شرایطی که شخصی مظنون یا متهم به ارتکاب جرمی شده است، موضوع حفظ و رعایت آزادی او به مراتب مهم‌تر از شرایط عادی است؛ زیرا ناگفته پیداست که طی انجام تحقیقات کیفری در وضعیتی که شخص مظنون در توقیف یا بازداشت موقت به‌سر می‌برد حقوق وی بیش از زمانی که آزاد است در معرض خطر قرار می‌گیرد، و نگهداری شخص در بازداشت وی را آسیب‌پذیرتر می‌کند. (Fazaeli, 1393: 382). به همین دلیل است که در بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی به‌صراحت آمده است: «قاعده کلی نباید این باشد که اشخاص منتظر محاکمه در بازداشت نگه داشته شوند». اما از طرفی دیگر بازداشت موقت و سلب آزادی شخص به‌ویژه در مرحله تحقیق و به‌منظور جلوگیری از تلاش مظنون برای نابود کردن ادله جرم می‌تواند بسیار مهم و ضروری تلقی شود. ازاین رو، قرار بازداشت موقت به‌منظور انجام تحقیقات مقدماتی یکی از مهم‌ترین قرارهای تأمینی است که ممکن است از سوی مقام قضایی صادر گردد (Ashouri, 1383: 297).

در مورد مباحث مرتبط با بازداشت موقت در ایران در چند سال گذشته بعد از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ که جلوه‌هایی از دادرسی منصفانه در آن مشهود و واجد نوآوری‌هایی در این زمینه است، مقالات و کتب متعددی نگارش یافته است؛ موضوعاتی مانند لغو موارد قرار بازداشت موقت الزامی، محدود نمودن جرایم مشمول صدور قرار بازداشت موقت و غیره. اما از آنجا که نگارنده قصد مطالعه موضوع در حقوق کیفری چین را دارد که در این باب پیشینه‌ای در ایران یافت نمی‌شود، سعی شده است که بیشتر تمرکز پژوهش بیان مطالبی باشد که جنبه نوآوری دارد و در حوزه پژوهشی ایران کمتر به آن توجه شده است.^۱ همچنین به دلیل در دسترس بودن منابع داخلی در مورد موضوع حاضر و زیاد شدن حجم مقاله، صرفاً حقوق کیفری چین مبنای این تحقیق خواهد بود، ولی در مواردی که ایجاب می‌کند به حقوق ایران نیز اشاره خواهد شد.

کشور چین اقدامات عملی خود را در جهت اصلاحات در سیستم عدالت کیفری در سطح قانون‌گذاری و قضایی و در سایه توجه به قوانین حقوق بشر بین‌المللی در خصوص معاهدات بین‌المللی (به‌خصوص بعد از امضای میثاق بین‌المللی در سال ۱۹۹۸) که تمرکزش بیشتر بر حمایت حقوق بشر بوده، مدنظر قرار داده و در جهت اجرای این حقوق، قوانین داخلی زیادی از جمله قانون آیین دادرسی کیفری را اصلاح کرده است تا تعهداتش را از جنبه‌های قانونی اجرا کند. با این حال، میان قانونی که در کتاب نوشته شده است و قانونی که اجرا می‌شود، در سیستم حقوقی چین در برخی مصادیق تفاوت‌هایی وجود دارد؛ یا در عمل اجرا نمی‌شود و یا به صورت محدود اجرا می‌گردد (Fallahnezhad, 1401: 739). یکی از مهم‌ترین انتقادات نسبت به سیستم حقوقی این کشور، وجود دستگیری و بازداشت‌های خودسرانه است. بنابراین، جهت شناخت انواع قرارهای تأمین مرتبط با آزادی شخصی و مصادیق صدور دستور بازداشت یا دستگیری موقت قانونی، غیرقانونی و خودسرانه، سیستم حقوقی چین در این موارد باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر بررسی این موضوع است که اولاً میزان مطابقت قوانین جزایی چین با تعهدات بین‌المللی در حوزه حقوق بشر پیرامون حق آزادی شخصی تا چه حد است؟ دوم اینکه از نظر رویه قضایی و سیستم حقوقی، تا چه میزان مقررات در حوزه حق آزادی و محدودیت‌های نسبت به آن در این کشور قابلیت اجرا دارد؟ و آیا مصادیق دستگیری و بازداشت خودسرانه و غیرقانونی در قوانین و رویه قضایی مشهود است؟

به‌منظور بررسی سؤالات پیش گفته، ابتدا انواع قرارهای تأمین کیفری که به بازداشت و دستگیری افراد

۱. با توجه به اینکه کشور ایران و چین به‌عنوان دو کشور مهم و دو بازیگر مؤثر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی روابط دیرینه‌ای داشتند و در سال‌های اخیر دارای روابط سیاسی و اقتصادی چشمگیری بودند، لیکن در حوزه نظام عدالت کیفری و دیگر مباحث حقوقی، تحقیقات ناچیزی در خصوص آنها صورت گرفته است.

منتهی می‌شود، مطابق مقررات مدون و موضوعه مورد بررسی قرار گرفته، سپس از منظر قانون‌گذاری و رویه قضایی در مورد دستگیری و بازداشت‌های غیرقانونی و خودسرانه مطالبی بیان خواهد شد.

۲. مصادیق قانونی صدور قرار دستگیری و بازداشت

مطابق اسناد بین‌المللی دستگیری و بازداشت افراد باید خلاف قاعده و استثنا تلقی شود و فقط زمانی فرد از آزادی خود محروم می‌شود که منطبق با تشریفات رسیدگی قانونی و مدلل باشد. در میثاق بین‌المللی در مورد دلایل محرومیت از آزادی شخصی جزئیاتی ذکر نشده است. جمله سوم بند ۱ ماده ۹ بیان می‌دارد که هیچ‌کس نمی‌تواند از آزادی خود محروم شود، مگر طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون. بنابراین، مبنای قانونی به‌طور صریح برای دستگیری یا بازداشت باید در قانون پیش‌بینی شود و مقررات مربوطه به اندازه کافی دقیق باشد تا از تفسیر و کاربرد بیش‌ازحد وسیع یا دلخواه خودداری کند. ماده ۹ ایجاب می‌کند که رویه محرومیت از آزادی نیز باید به‌صراحت در قانون پیش‌بینی شده باشد و دولت عضو باید اطمینان حاصل کند که اجرای احکام مربوطه مطابق با رویه‌های مقرر در قانون داخلی است؛ یعنی مقامات زمانی مجاز به اعمال دستگیری هستند که اجرای دستگیری الزامی بوده و البته حکم و سایر الزامات خاص آن نیز موجود باشد. در عین حال، ماده ۹ همچنین مقرر می‌دارد که اقدامات زیر باید مطابق با قوانین داخلی باشد؛ هنگامی که لازم باشد مجوز ادامه بازداشت از قاضی یا مقام دیگر اخذ شود؛ معرفی فرد بازداشت‌شده به دادگاه در زمان مقرر؛ رعایت دوره قانونی بازداشت و غیره. علاوه بر این، ماده ۹ تصریح می‌کند که قوانین داخلی باید در خصوص بازداشت‌شدگان حمایت‌هایی را ارائه دهد؛ مانند مجوز برقراری ارتباط با وکلا و حق جبران خسارت در بازداشت یا دستگیری غیرقانونی. کشور چین در سال ۱۹۹۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرده است. بنابراین، انتظار می‌رود که عمل به مفاد این سند بین‌المللی و کاهش میزان دستگیری به نمود اصلی اصلاح نظام دستگیری تبدیل شود. اما به‌طور کلی محققان این کشور معتقدند که مشکل اصلی در این کشور تعداد بسیار زیاد افراد دستگیرشده است و دستگیری به یک هنجار مبدل گشته است و به‌طور اساسی در عمل ارتکاب جرم به دستگیری منجر می‌شود و از نظر محققان چینی دلیل اصلی این وضعیت کامل نبودن مقررات قانونی عنوان می‌شود (Huang, 2012: 33). در ادامه، ابتدا در مورد مفهوم دستگیری و بازداشت مطالبی بیان خواهد شد و سپس به مصادیق قانونی این نوع قرارها اشاره می‌شود.

۱.۲. مفهوم دستگیری^۱ و تمایز آن از بازداشت^۲

در رویه قضایی چین مصادیق و مفهوم «دستگیری» و «بازداشت» نسبتاً با یکدیگر متفاوت است. اصطلاح «دستگیری» به معنای دستگیری شخص از آغاز محرومیت از آزادی وی است و اصطلاح «بازداشت» به معنای محرومیت از آزادی از همان ابتدای دستگیری است که از زمان دستگیری تا آزادی شخص ادامه دارد (Yang, 2003: 13). مفهوم دستگیری عنوان شده در ماده ۹ میثاق بین‌المللی لزوماً دستگیری‌های رسمی نیست که طبق قانون داخلی تعریف شده است. در مورد محرومیت از آزادی برای شخصی که در حال حاضر در حبس است، مانند بازداشت تحت اتهامات کیفری مربوطه، شروع محرومیت از آزادی نیز معادل دستگیری است. علاوه بر این، «مجموعه اصول حمایت از تمامی اشخاص تحت هر شکل از بازداشت یا حبس» نیز تصریح می‌کند که «دستگیری» به معنای عمل بازداشت شخص به دلیل ارتکاب جرم مطابق ادعا یا اقدام مقامات است. «شخص بازداشت‌شده»، بر هر شخصی که از آزادی فردی در نتیجه محکومیت برای ارتکاب جرم محروم شده باشد، دلالت دارد. «بازداشت»، یعنی شرایط اشخاص بازداشت‌شده به گونه‌ای که در بالا تعریف شده است. بنابراین بیان شد، مفهوم دستگیری و بازداشت از نظر سازمان ملل و سایر کشورها با مفهوم دستگیری و بازداشت در کشور چین متفاوت است. دستگیری در چین، به عمل محدود کردن آزادی شخصی دلالت دارد؛ بازداشت به وضعیتی اطلاق می‌شود که همچنان محدودیت آزادی شخصی ادامه دارد. برای مثال، در سایر کشورها، تنها در صورتی که پلیس کسی را با هدف بازداشت به کلانتری بیاورد، می‌توان آن را دستگیری نامید. دستگیری در کشور چین هم شامل فعل محدود نمودن آزادی شخصی طبق معیارهای بین‌المللی می‌شود و هم شامل بازداشتی که متعاقب آن پس از دستگیری اعمال می‌گردد (Zinan, 2015: 26). پژوهشگران ایران نیز دستگیری را محروم کردن یک شخص از آزادی از سوی مقامات قانونی در جهت تضمین کردن حضور وی برای پاسخگویی به اتهام کیفری معنا کرده‌اند (Mehra, 1392: 79). البته دستگیری محدود به مقامات قانونی نیست، بلکه ممکن است به وسیله اشخاص عادی و به امر قانون و به دستور مقام صلاحیت‌دار انجام پذیرد یا برخلاف قانون و بدون دستور مقام صلاحیت‌دار باشد. بازداشت هم مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ایران به معنای «در توقیف نگه داشتن متهم در طول تمام یا قسمتی از جریان تحقیقات مقدماتی» است که در شرایطی امکان دارد بازداشت فرد تا صدور حکم نهایی هم ادامه داشته باشد. از نظر رویه قضایی در سیستم کیفری ایران و قانون آیین دادرسی کیفری تفاوت معنایی قابل مشاهده‌ای در مورد دستگیری و بازداشت وجود ندارد.

1. Arrest

2. Detention

اما واژه «دستگیری» در حقوق کیفری چین یک مرحله خاصی از روند کیفری را مشخص می‌کند. «دستگیری» بار حقوقی سنگین‌تری نسبت به بازداشت دارد، و در صورت وجود ادله اثبات‌شده‌ای مبنی بر اینکه یک جرم کیفری رخ داده و ممکن است محکومیت حبس به دنبال داشته باشد اعمال می‌شود. طبق ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری چین، سه شرط اصلی جهت دستگیری افراد ضروری است: «در صورت وجود ادله و شواهدی مبنی بر وقوع جرم از طرف مظنون یا متهم که از طریق حبس ثابت و یا مجازات سنگین‌تر قابل مجازات باشند، و در صورتی که آزادی به قید ضمانت به طور مؤثر مانع از خطرات زیر که مظنون یا متهم برای جامعه دارند نشود، مظنون یا متهم مطابق با قانون دستگیر خواهند شد: (یک) مظنون یا متهم ممکن است مرتکب یک جرم جدید شود؛ (دو) خطر واقعی وجود دارد که مظنون یا متهم می‌تواند باعث ایجاد خطر برای امنیت ملی، امنیت عمومی و نظم جامعه گردد؛ (سه) مظنون یا متهم ممکن است ادله و شواهد را از بین برده یا مخدوش نماید، دخالت در شهادت شهود نموده یا در اقرار با دیگران تبانی کند؛ (چهار) مظنون یا متهم ممکن است اقدامی تلافی‌جویانه علیه بزه‌دیدگان، مطلعان و شکایت‌کنندگان انجام دهد؛ (پنج) مظنون یا متهمی که تلاش برای خودکشی یا فرار می‌کند... در تأیید یا صدور قرار دستگیری، باید ماهیت، وضعیت و شرایط اقامه دعوی و تعیین مجازات را به عنوان عواملی که ممکن است خطرات اجتماعی به بار آورد مد نظر داشت» (Aghamajidi, 1400: 31).

بنابراین، «دستگیری» افراد فقط در موارد شرط شواهد، یعنی وجود شواهدی دال بر اثبات موارد موضوع؛ شرط ارتکاب جرم، یعنی مواردی که ممکن است به مجازات حبس یا بالاتر از حبس محکوم شود؛ و شرط وجود خطر اجتماعی امکان‌پذیر است. همچنین در پاراگراف دوم اصل ۳۷ قانون اساسی به شرایط دستگیری قانونی اشاره شده است که به نظر حقوق‌دانان چینی باید به عنوان یک مفهوم مستقل در نظر گرفته شود که از ترمینولوژی حقوق بشر اروپایی الهام گرفته است؛ به این معنا که مفهوم آن شکل خاصی از محرومیت از آزادی را بیان می‌کند و همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد با استفاده معمول و متداول این عبارت در دیگر سیستم‌های حقوقی متفاوت است. در حقوق بین‌الملل استفاده متداول دستگیری و بازداشت به هر عملی گفته می‌شود که مقام صالح برای محروم نمودن اشخاص از آزادی انجام می‌دهد که حتی شامل نگهداری بیماران روانی در آسایشگاه نیز می‌شود. همچنین از نظر حقوق‌دانان چینی تفاوت بین استفاده متداول و مفهوم چینی واژه «دستگیری» در نسخه زبان چینی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ میثاق بین‌المللی دارای ابهامات بیشتری است و در هر دو مورد ترجمه «دستگیری» برای کشور چین مشکلات بیشتری در تنفیذ این میثاق به وجود آورده است (Malmgren, 2013: 49).

اما در مورد واژه «بازداشت»، توضیح اینکه طبق سیستم حقوق کیفری چین سه نوع بازداشت وجود دارد: «بازداشت قضایی» که طبق قانون آیین دادرسی مدنی از سوی دادگاه خلق صادر می‌شود. «بازداشت کیفری» که طبق قانون آیین دادرسی کیفری از طرف نهاد دادستانی و نهاد امنیت عمومی

انجام می‌گیرد و «بازداشت اداری» که از جانب قانون مدیریت امنیت عمومی قابل صدور است (Fallahnezhad, 1399: 110). شرایط و محدوده بازداشت کیفری افراد در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری این‌گونه بیان شده است: «نهادهای امنیت عمومی می‌توانند در ابتدای امر، مجرم بالفعل (جرم مشهود) یا مظنون اصلی را تحت هریک از شرایط ذیل بازداشت کنند: (یک) اگر او در حال انجام مقدمات برای ارتکاب جرم است، در حال ارتکاب جرم یا بلافاصله پس از ارتکاب جرم کشف و دستگیر شود؛ (دو) اگر او توسط بزه‌دیده یا شاهد عینی به عنوان مرتکب جرم شناسایی شود؛ (سه) اگر ادله و شواهد کیفری بر روی بدن یا محل سکونت وی کشف شود؛ (چهار) اگر او پس از ارتکاب جرم اقدام به خودکشی یا فرار کند و یا اینکه فراری باشد؛ (پنج) اگر احتمال از بین بردن یا مخدوش کردن ادله و شواهد یا اقرار وجود داشته باشد؛ (شش) اگر نام و مشخصات و آدرس محل سکونت شناسایی نشده باشد و دارای هویت نامعلوم باشد؛ و (هفت) اگر به احتمال قوی مظنون به ارتکاب جرایم متعدد یا منازعه بوده و یا متواری باشد» (Aghamajidi, 1400: 32).

بنابراین سه شرطی که در مورد دستگیری بیان شد در خصوص «بازداشت» وجود ندارد. از نظر حقوق دانان چینی این نوع نگرش تبعیض آمیز، خاص بودن مقوله دستگیری و سختگیری در بررسی روند دستگیری را برجسته‌تر می‌کند (Li, 2018: 160). بر همین مبنا حقوق دان معتقدند که مشکل اصلی در کشور چین، تعداد زیاد افراد دستگیر شده است که دستگیری را به یک هنجار مبدل ساخته است و در عمل ارتکاب جرم به دستگیری افراد منجر می‌شود (Huang, 2012: 33). طبق رویه قضایی چین، بازداشت و محروم نمودن آزادی فرد از سوی ابزارهای بازداشت، زندانی نمودن و دیگر اقدامات اجباری اطلاق می‌شود که شامل دستبند زدن به فرد و بازجویی انفرادی است (Malmgren, 2013: 59).

۲.۲. مصادیق سلب آزادی افراد در قانون آیین دادرسی کیفری

مقررات «قرارهای تأمین اجباری» در بخش اول از فصل ششم قانون آیین دادرسی کیفری چین مورد تصویب و قانون گذاری قرار گرفته است. طبق ماده ۶۶ قانون پیش گفته، سه نوع قرار تأمین اجباری وجود دارد: قرار بازداشت، قرار وثیقه، و قرار نظارت خانگی. قرار بازداشت موقت (ماده ۸۲ ق.آ.د.ک) مهم ترین قرار است که باعث سلب آزادی افراد می‌شود. نکته قابل توجه اینکه علاوه بر قرار بازداشت، همان گونه که پیش تر اشاره شد، قرار دستگیری (ماده ۸۱ ق.آ.د.ک) با شرایط و مصادیق خاص خود نیز در این قانون مورد اشاره قرار گرفته است. استفاده از «قرارهای تأمین اجباری» ۱ مستلزم محدودیت یا محرومیت آزادی شخص مظنون یا متهم است. بنابراین، اعمال این اقدامات مستقیماً منعکس کننده وضعیت حمایت

از حقوق بشر در آیین دادرسی کیفری در یک کشور است. در زمان اجرای قانون آیین دادرسی کیفری سابق (۱۹۹۶) در چین عملاً برخی از مشکلات از قبیل میزان بالای استفاده از بازداشت، دوره طولانی مدت بازداشت و غیره وجود داشت که این وضعیت نه تنها مخالف حقوق و آزادی اشخاص مظنون و متهم بود، بلکه به اعتبار سیستم قضایی چین آسیب جدی می‌رساند. در سال‌های اخیر رسانه‌های گروهی گزارشی از وضعیت بازداشت مظنونان و متهمان در اختیار مردم قرار دادند که باعث شد مردم به سیستم عدالت کیفری به شدت حمله کنند. بنابراین، اصلاح مواد مربوط به قرارهای تأمین اجباری مسئله مهمی بود که در اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری سال ۲۰۱۲ مورد توجه قرار گرفت. در این اصلاحیه، شرایط و مصادیق نظارت خانگی بازنگری شد و امکان استفاده از وثیقه به عنوان جایگزین بازداشت تقویت گردید. همچنین تأکید شد برای افرادی که در انتظار محاکمه هستند از وثیقه استفاده شود تا از بازداشت آنان جلوگیری گردد. به علاوه، شرایط و محدوده دستگیری اصلاح و تأکید شد که فرد دستگیر شده فوراً به بازداشتگاه منتقل شود تا از شکنجه فرد در حین بازجویی کاسته شود (Chen, 2013: 111). با این حال، در حال حاضر، رویه قضایی در مفهوم «قرارهای تأمین اجباری» مشکلات اساسی دارد. برای مثال، ماده ۶ از «رویه دادرسی برخی مناطق در خصوص پرونده‌های کیفری که مظنون جرم و مجازات را پذیرفته باشد» مصوب دیوان عالی خلق، دادستانی عالی خلق، وزارت امنیت عمومی، وزارت امنیت ملی و وزارت دادگستری تصریح می‌کند: «دادگاه خلق، دادستانی خلق، نهاد امنیت عمومی، باید در خصوص مظنونان و متهمانی که جرم و مجازات را پذیرفته‌اند، فاکتور مهم خطرناک بودن برای جامعه را در نظر گرفته، در صورتی که مظنون و متهم خطر اجتماعی نداشته باشند باید به قید ضمانت آزاد شده یا قرار نظارت خانگی از آنها برداشته شود»؛ برعکس در صورتی که مظنون یا متهم جرم و مجازات را نپذیرفته و برای جامعه خطرناک باشد نباید به قید ضمانت آزاد شود یا قرار نظارت خانگی از وی برداشته شود. در نتیجه، در دادرسی کیفری تقریباً کلیه افراد تحت پیگرد قانونی مشمول قرارهای تأمین اجباری خواهند بود که بدون شک مغایر قصد قانون‌گذار در مورد اعمال قرارهای تأمین اجباری در قانون آیین دادرسی کیفری ۲۰۱۲ و اصلاحیه ۲۰۱۸ است (Lang, 2012: 140).

بدیهی است، مفاد پیش‌گفته تفسیرهای نادرست از اعمال قرارهای تأمین اجباری را نشان می‌دهد که نشانگر تمایل به اتکای بیش از حد به قرارهای تأمین اجباری است. در برخی موارد، رویه قضایی نیز عملاً بیانگر کاربرد بیش از حد قرارهای تأمین اجباری در جامعه است. به علاوه، سیستم «دستگیری مشروط» از زمان ایجاد دادستانی در سال ۲۰۰۵ تا نیمه اول سال ۲۰۱۷ مورد استفاده قرار گرفته و ماهیت این سیستم بر مبنای دستگیری مظنونانی بوده است که واجد شرایط بازداشت نبوده‌اند. اگرچه دفتر تحقیقات و نظارت دادستانی عالی خلق، نظارت در خصوص استفاده از «دستگیری مشروط» را مورد بررسی قرار می‌دهد تا از دستگیری مشروط دادستانی خلق جلوگیری کند، اما خود، سیستم «دستگیری مشروط» را

صادر می‌کند (Li, 2018: 157). در عین حال، مطابق قوانین موضوعه، محرومیت از حقوق سیاسی و محدودیت آزادی شخصی شهروندان، قید و شرط قانونی دارد. بنابراین، قرارهای تأمین اجباری مانند دستگیری فقط از طریق قانون قابل پیش‌بینی است؛ به‌خصوص تعیین عناصر اساسی دستگیری فقط با قانون آیین دادرسی کیفری قابل تصریح است. با این حال، دادستانی عالی خلق، از مانع قانون آیین دادرسی کیفری عبور کرده، تا قوانین مربوط به دستگیری مشروط را فراهم کند؛ این خلاف اصل حفظ قانون است. این موضوع هنوز مشروعیت قانونی دارد و از ایده اعمال فشارهای اجباری پیروی نمی‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که جامعه و رویه قضایی کشور چین در درک مفهوم قرارهای تأمین اجباری جهت‌گیری دارد. تنها یک مفهوم نوآورانه می‌تواند گرایش جامعه قضایی را به نقض قانون و اعمال قرارهای تأمین اجباری مهار کند (Li, 2018: 159).

۲.۱. قرار دستگیری و بازداشت موقت

همان‌گونه که اشاره شد، یکی از انواع قرارهای تأمین اجباری طبق قانون آیین دادرسی کیفری، قرار بازداشت موقت است که در ماده ۸۲ قانون پیش‌گفته مصادیق آن ذکر شده است. آنچه در این ماده بیان شد، بیشتر شرایط جرم مشهود است که در این موارد قانون به نهاد امنیت عمومی اجازه بازداشت را داده است. اما علاوه بر این قرار، قرار دیگری تحت عنوان قرار دستگیری وجود دارد که آزادی فردی محدود می‌شود و مصادیق آن متفاوت با قرار بازداشت است. از نظر حقوق‌دانان چینی با توجه به وجود این قرار هرکس مرتکب جرم شود باید حتماً بازداشت گردد. بر این مبنا لازم است در مورد این قرار توضیحات بیشتری ارائه شود. همان‌گونه که اشاره شد، قانون آیین دادرسی کیفری (۱۹۹۶) سه شرط را برای اعمال دستگیری در نظر گرفته است: شرط شواهد، شرط ارتکاب جرم، و شرط وجود خطر اجتماعی. دستگیری فقط در صورت تحقق سه شرط یادشده می‌تواند اعمال شود. قانون آیین دادرسی کیفری ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸ شرایط پیش‌گفته را به‌روشنی تصریح کرده است، با وجود این، میزان دستگیری همچنان بالاست و کارکنان نهاد قضایی هنوز بر این باورند که درک شرایط دستگیری هنوز دشوار است. ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۳۹ «آیین دادرسی کیفری دادستانی خلق (محاکمه)» شرط وجود شواهد را برای دستگیری تصریح می‌کنند، اما این شرط را در خصوص قرار بازداشت موقت، آزادی به قید ضمانت، قرار نظارت خانگی و حبس در نظر نمی‌گیرند.

این نوع نگرش تبعیض‌آمیز، خاص بودن مقوله دستگیری و سخت‌گیری در بررسی روند دستگیری را برجسته می‌سازد. مشکل این است که اعمال سایر قرارهای تأمین اجباری همچنین به «شواهد و مدارکی برای اثبات وجود یک واقعیت کیفری» نیاز دارد و به‌نظر می‌رسد شرایط اثبات دستگیری در مقایسه با

سایر قرارهای تأمین اجباری از ویژگی خاصی برخوردار نیست. این امر ما را وادار به تأمل در این زمینه می‌کند: کانون تمرکز در بررسی رویه دستگیری چیست؟ عموماً اعتقاد بر این است که سه شرط دستگیری در راستای هم قرار دارند و برای اعمال دستگیری باید این سه شرط به‌طور هم‌زمان برطرف شوند؛ با این حال، با توجه به مفاد مربوط در قانون آیین دادرسی کیفری، به‌هیچ‌وجه این‌گونه نیست. در مورد شرط ارتکاب جرم، با توجه به بند ۳ ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، مظنونان و متهمان کیفری که شروط آزادی به قید ضمانت و یا قرار نظارت خانگی را نقض می‌کنند، می‌توانند دستگیر شوند. براساس مفاد بند ۱ ماده ۶۷ و ماده ۷۴ قانون فوق، افرادی که با قید ضمانت آزاد هستند و یا تحت نظارت خانگی به سر می‌برند، افرادی‌اند که ممکن است به مجازات مراقبت عمومی، توقیف کیفری یا به‌صورت مستقل به مجازات تکمیلی محکوم شوند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، شرط ارتکاب جرم، شرط لازم برای اعمال دستگیری نیست و ارزش آن عمدتاً به استثنای افرادی است که ممکن است به مجازات حبس به شرط اعمال بازداشت محکوم شوند. به عبارت دیگر، این شرط برای ایجاد یک شرط حداقل، راهی برای شناسایی خطرهای اجتماعی است و از طریق شناسایی خطرهای اجتماعی فیلتر می‌شود (Sun, 2016: 30). بنابراین از نظر حقوق‌دانان، سوء برداشت‌های زیر در فهم شرایط دستگیری وجود دارد: (یک) تأکید بیش‌ازحد به شرط وجود شواهد در اعمال دستگیری و غفلت از شرط وجود شواهد اصلی در اعمال قرارهای تأمین اجباری. از آنجا که شرایط اعمال دستگیری و شرایط مشهود سایر قرارهای تأمین اجباری اساساً یکسان است، زمانی که نهاد قضایی بر دستورالعمل مؤثر دستگیری بیش‌ازحد تأکید نموده، در صورت فقدان سایر شرایط، دستگیری را اعمال می‌کند، نمی‌توان از میزان بالای دستگیری در کشور جلوگیری کرد. (دو) شرط ارتکاب جرم جایگاه مناسبی نداشته، برای دستگیری شرط لازم نیست و با توجه به عدم جهت‌گیری صریح و روشن، شرط ارتکاب جرم ابزاری برای توجیه بررسی دستگیری شده است و قادر به ایفای نقش مؤثر در ازبین بردن اعمال دستگیری از طریق این شرط نیست. (سه) عدم توجه به شرط خطر اجتماعی. اگرچه دادستانی عالی خلق و نهاد امنیت عمومی در تلاش‌اند تا به عملکرد بی‌عیب و نقصی از شرط خطر اجتماعی دست یابند، با توجه به وضعیت طولانی‌مدت شرط خطر اجتماعی، نمی‌توان در کوتاه‌مدت توجه واقعی کارکنان قضایی را دریافت کرد و استاندارد را برای اثبات خطر اجتماعی در نظر گرفت. تفاوت‌های جدی در شناخت وجود دارد و تلاش برای بهبود شرط خطر اجتماعی برای دستیابی به نتایج دشوار است (Li, 2018: 160). از این رو، لازم است رابطه بین سه عنصر دستگیری مجدداً تعریف شود و از «شواهد برای اثبات موارد موضوعه جرم» به‌عنوان شرط اصلی در قرارهای تأمین اجباری استفاده گردد و شرط ارتکاب جرم به‌عنوان یک اصل به‌منظور مستثنی کردن کسانی که ممکن است پس از دستگیری به حبس محکوم شوند، مورد استفاده قرار گیرد. همچنین می‌توان از شرط خطر

اجتماعی به‌عنوان عنصر اصلی در اعمال دستگیری استفاده کرد؛ بنابراین، رابطهٔ موازی سه عنصر دستگیری تغییر می‌کند و می‌توان یک سیستم اثبات شواهد و ادلهٔ جرم بین این سه شرط ایجاد کرد (Sun, 2016: 30). اعمال دستگیری در واقع، مداخله در حقوق اساسی و آخرین گزینه در هنگام اعمال قرارهای تأمین اجباری است. هنگام تأیید شرط شواهد- یعنی اینکه «شواهد، وجود جرم کیفری را اثبات می‌کند»- نهاد تحقیق باید ابتدا قرار تأمین اجباری غیردستگیری را انتخاب کند؛ یعنی شرط شواهد اولین شرط برای اعمال قرار تأمین اجباری است. هنگامی که نهاد دادستانی دستگیری را مورد بررسی و تأیید قرار می‌دهد، ابتدا باید مشخص کند که آیا می‌توان قرار تأمین اجباری را در خصوص شخص موردتعقیب اعمال کرد، این مرحله، مرحلهٔ اثبات شواهد اصلی است. وظیفهٔ اصلی این مرحله این است که نهاد تحقیق اثبات کند که عمل مجرمانه از سوی شخص موردتعقیب انجام شده است؛ یعنی برقراری یک رابطه بین موارد موضوعهٔ جرم و افراد خاص. فقط از این طریق می‌توان موارد نادرستی را که در ورودی ساختار بررسی دستگیری اتفاق می‌افتد مورد پیشگیری و کنترل قرار دارد. و پس از اتمام مرحلهٔ اثبات اصلی می‌توان به بررسی شروط ارتکاب جرم و خطر اجتماعی پرداخت. زیرا شرط ارتکاب جرم، شرط لازم برای اعمال دستگیری نیست. بررسی شرط خطر اجتماعی بسیار مهم‌تر از بررسی شرط ارتکاب جرم است. این امر به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده از قرارهای تأمین اجباری، محدود کردن استفاده از دستگیری، تغییر وضعیت فعلی بی‌توجهی به شرط خطر اجتماعی، برجسته کردن اهمیت شرط خطر اجتماعی، و تعیین موقعیت آن به‌عنوان موضوع اصلی بررسی دستگیری است (Zhang, 2016: 96).

۲.۲.۲. بازبینی و اعتراض به قرار دستگیری و بازداشت موقت

از نظر تاریخی، پیش از انجام اصلاحات در قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۲۰۱۲، نهادهای تصمیم‌گیری و دادستانی خلق، هیچ تعهد قانونی برای بازبینی لزوم ادامهٔ بازداشت مظنون یا متهم پس از دستگیری نداشتند. سیستم دستگیری اساساً برای تضمین حضور متهمان در جلسات بعدی دادگاه به‌جای مجازات متهم پیش از دادگاه و بدون انجام محاکمه ایجاد شده بود. وظیفهٔ دادستانی خلق تعقیب مجرمان کیفری است. زمانی که دادستانی تصمیماتی را در مورد دستگیری یا بازداشت در مرحلهٔ پیش از محاکمه می‌گیرد، فاکتور کلیدی مدنظر اینست که آیا این دستگیری برای روند بازجویی یا تعقیب کیفری مفید است یا خیر. بنابراین، تا زمانی که شواهد و ادلهٔ کافی برای تعقیب یک جرم وجود دارد، متهم باید دستگیر و بازداشت شود؛ حتی اگر مرتکب جرم کوچکی شده باشد یا خطر کمی از بابت فرار او حتی با سپردن وثیقه پیش از انجام محاکمه وجود داشته باشد و تا زمانی در بازداشت می‌ماند که بازجویی، تعقیب و تشریفات دادرسی صورت گیرد. در نتیجه، بسیاری از متهمان پیش از مراحل محاکمه یا در زمان محاکمه بازداشت

می‌شوند. این شیوه در قوانین مربوط به بازداشت و دستگیری (سال ۱۹۵۴ و ۱۹۷۹) تنظیم شده بود و بعدها قانون آیین دادرسی کیفری (۱۹۷۹ و ۱۹۹۶) و مجموعه‌ای از تفاسیر قضایی دادستان عالی خلق همچون قوانین موقتی مربوط به بازبینی دستگیری‌ها و تعقیب پرونده‌های کیفری آن را تأیید کردند که مستقیماً مورد قبول دادستانی خلق (۱۹۹۱)، و قوانین دادرسی کیفری دادستانی خلق (۱۹۹۹) هم قرار گرفت (Xinfen & Wei, 2015: 184). بنابراین، می‌توان اذعان کرد که در کشور چین پدیده «دستگیری برای بازجویی» و «بازداشت طولانی‌مدت» امری رایج و شایع است که به ملاحظات سنتی در تعقیب و مجازات بی‌پروا و دادرسی‌های کیفری بدون در نظر گرفتن حقوق افراد منجر می‌شود. نرخ بالای بازداشت در چین و شیوه بازداشت متهمان اساساً در تقابل با اصل کلی «آزادی اکثر متهمان با گذاشتن وثیقه جز در موارد استثنایی» در کشورهای غربی است. پژوهشگران این تفاوت عملی را به فقدان راهکارهای بازبینی قضایی منصفانه و بی‌طرفانه در مرحله بازداشت پیش از محاکمه و نبود سیستم نظارتی بازداشت‌ها پس از دستگیری، نسبت داده‌اند؛ دیگر محققان این تفاوت‌ها را منتسب به این واقعیت می‌دانند که بازداشت عمدتاً به‌عنوان ابزاری برای مجازات مورد استفاده قرار می‌گیرد (Yan you, 2008: 15).

در سال ۲۰۰۰، مجامع علمی بحث‌های زیادی را در مورد چگونگی اصلاح سیستم بازداشت پیش از محاکمه و امکان تفویض اختیارات تصمیم‌گیری در زمینه دستگیری‌ها به دادگاه به‌منظور احترام به آزادی فردی متهمان و تغییر شیوه بازداشت طولانی‌مدت مطرح کردند. دادستان عالی خلق کمپین‌های بسیار بزرگی را به‌منظور حذف بازداشت‌های بلندمدت برگزار نمود. این طرح‌ها در نهایت ادامه پیدا نکرد و تنها دارای تأثیر کوتاه‌مدت بود. پس از اینکه چندین متهم بازداشتی در بازداشتگاه‌ها در سال ۲۰۰۹ فوت کردند، اعتراضاتی ایجاد شد و نگرانی‌های زیادی در مورد بازداشتیان و رفتار ناعادلانه با متهمان شکل گرفت که این عوامل باعث شد در سال ۲۰۱۲، چین در قانون دادرسی کیفری^۱ خود به معرفی نظام بازبینی برای بازداشت‌های پس از دستگیری بپردازد تا بازداشت‌های کمتر و محتاطانه‌تری را انجام دهد. این هدف در برنامه اجرایی حقوق بشر ملی چین (سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵) توسعه پیدا کرد و بر این مطلب تأکید شد که علاوه بر ایجاد پیشرفت‌های قابل‌توجه در حوزه حقوق بشری، دولت چین به سمت استانداردهای خاص‌تر و بالاتری در حمایت و پیشبرد حقوق بشر پیش رود (Xifen & Wei, 2015: 185).

طبق سیستم حقوقی چین امکان اعتراض به قرار بازداشت یا دستگیری در هیچ‌کدام از قوانین مدون به رسمیت شناخته نشده است، بلکه طبق قانون آیین دادرسی کیفری تحت شرایط قانونی، مظنون یا متهم، نماینده قانونی وی، بستگان نزدیک یا وکلای آنان می‌توانند درخواست تغییر قرارهای تأمین را که شامل قرار بازداشت، قرار وثیقه و نظارت خانگی است، بدهند. طبق مفاد قانون، تنها نهاد تحقیق می‌تواند

۱. ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری

در خصوص قرار دستگیری تأیید نشده، از نهاد دادستانی درخواست بررسی و تجدیدنظر نماید^۱. اما در مورد قرار دستگیری تأیید شده، مظنون کیفری از چنین حقی در جهت درخواست بررسی و تجدیدنظر برخوردار نیست. از این رو، ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح می‌کند که متهمان و مظنونان کیفری و نمایندگان قانونی آنها، نزدیکان یا مدافعان حق دارند تغییر قرارهای تأمین اجباری را درخواست نمایند که البته این موضوع تاحدودی نقص نداشتن حق برای تجدیدنظر و بررسی قرار دستگیری را برای شخص تحت تعقیب جبران می‌کند. علاوه بر این، قانون آیین دادرسی کیفری سیستم بررسی ضرورت حبس را به مفاد قانون اضافه نموده است که به صورت مشخص نهاد دادستانی را ملزم به اعمال سیستم بررسی ضرورت حبس می‌کند. «اجرای مقررات بررسی ضرورت حبس (محاکمه)» از سوی دادستانی عالی خلق در سال ۲۰۱۶، به مظنونان و متهمان، نماینده قانونی آنان، خویشاوندان نزدیک و مدافعان حق بررسی ضرورت حبس را اعطا می‌کند. محققان معتقدند اگرچه بین راهکار دادرسی بر مبنای بررسی دستگیری که در تفسیر پیش گفته به آن اشاره شد و دیدگاه بررسی قضایی دستگیری که مورد حمایت تفاسیر دانشگاهی است، شکافی وجود دارد، اما از طریق تفسیر متن قانون و مقررات اساساً می‌توان نگران‌کننده‌ترین موضوع یعنی بررسی ضرورت حبس را از طریق رویه قضایی حل کرد که همان مسئله وجود «مبنای قانونی کافی» برای تحول دادخواهی است. همچنین می‌توان یک قالب اصلی برای بررسی رویه دستگیری در چارچوب قانونی فعلی ایجاد کرد که به این ترتیب، تعادل مناسبی بین مداخله در حقوق اساسی و دفاع از حقوق اساسی حاصل شود (Li, 2018: 166).

۳.۲.۲. قرار نظارت خانگی

نظارت خانگی به قرار تأمین اجباری تلقی می‌شود که دادگاه خلق، دادستان خلق و نهاد امنیت عمومی دستور می‌دهد که به مظنون یا متهم اعلام کنند که در مدت مقرر و در طی دادرسی، از محل اقامت خود یا محل اقامت تعیین شده خارج نشود و از این طریق نظارت بر آنها انجام می‌گیرد. در این زمینه، برخلاف دستگیری‌ها، نظارت خانگی نباید در بازداشتگاه انجام شود، بلکه در مکان جداگانه‌ای از سوی خود مظنون یا متهم و یا در محل مشخص شده از طرف ارگان امنیتی صورت می‌گیرد. به مصادیق و شرایط نظارت خانگی در مواد ۷۴ تا ۷۸ اشاره شده است.

حقوق دانان چینی بر این باورند که این امر (نظارت خانگی) نیازمند داشتن نیروی پلیس زیاد و صرف زمان و هزینه زیاد برای اطمینان از تأثیر نظارت خانگی است و به همین دلیل امکان استفاده از قرار نظارت خانگی کاهش می‌یابد. بنابراین، دستگاه‌های اجرایی انتظار دارند که حداکثر تأثیر نظارت خانگی را

۱. ماده ۹۲ ق.آ.د.ک

با حداقل هزینه به دست آورند. در این حالت، مزایای استفاده از قرار وثیقه برای افراد در انتظار محاکمه برجسته تر می شود و دستگاه های اجرایی بیشتر ترجیح می دهند با قرار وثیقه موافقت کنند؛ از این رو، نرخ اعمال قرار نظارت خانگی در چین بسیار پایین و محدود است و در عمل نیز در قرار نظارت خانگی، گزارش ها اغلب انجام نمی شود و فرد مظنون در هتل یا مکانی که خود ارگان امنیتی در نظر گرفته اند و تحت نظارت امنیتی شدیدی نگهداری و از آزادی شخصی کاملاً محروم می شود. از آنجاکه به جای بازداشت در بازداشتگاه از سوی نهاد امنیت عمومی، در محل نظارت خانگی انجام می شود، حقوق قانونی فرد تحت نظارت خانگی در برابر فرد بازداشت شده آسیب پذیرتر است. همچنین با توجه به رشد سریع شهرنشینی و افزایش جمعیت، بسیاری از مردم اقامتگاه ثابت ندارند و این امر اجرای قرار نظارت خانگی را با مشکل روبه رو کرده، باعث می شود شرایط عمومی استفاده از بازداشت زیاد گردد و همین امر سیستم نظارت خانگی را بی فایده و گاه خطرناک جلوه می دهد که حتی بسیاری از حقوق دانان چینی معتقدند باید لغو شود (Chen, 2013: 113-115). با این حال، این موارد نمی تواند در عمل ارزش و کارایی نظارت خانگی را نفی کند. سیستمی که برگرفته از کشورهایی چون ایتالیا، فرانسه، روسیه و آلمان است، ولی تفاوت اصولی بین نظارت خانگی در قانون آیین دادرسی چین و مقررات سایر کشورها وجود ندارد. اما از نظر ویژگی های قانونی، سیستم نظارت خانگی را یک اقدام اجباری غیرقابل تعهد تلقی می کنند که با آزادی با وثیقه همگن است و با سایر قوانین کشورها تفاوت اساسی دارد. بنابراین، چین با اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری خود سعی کرده است که از سیستم نظارت خانگی برای کاهش بازداشت استفاده کند و بهبود استانداردهای استفاده از نظارت خانگی اولین قدم جهت دستیابی به این تحول است.

۳.۲. تفسیر قانون اساسی از مفهوم بازداشت و دستگیری

بازداشت و دستگیری تنها قرار تأمین اجباری است که صریحاً در قانون اساسی چین مورد اشاره قرار گرفته است. بند نخست اصل ۳۷ قانون اساسی این کشور تصریح می کند: «نباید آزادی فردی شهروندان جمهوری خلق چین نقض شود». بند دوم همین اصل یادآور می شود که «هیچ شهروندی بدون تأیید یا تصمیم دادستانی خلق یا تصمیم دادگاه خلق و یا توسط نهاد امنیت عمومی نمی تواند دستگیر شود». موارد یادشده مربوط به فصل اول قانون اساسی «حقوق و وظایف شهروندی» است که به راحتی می توان دریافت که قانون اساسی، بازداشت را مداخله و محدودیت در حقوق اساسی شهروندان می داند، که این مبنایی برای ما فراهم می کند تا موضوع بازداشت را از منظر حقوق اساسی نیز بررسی کنیم. در قانون اساسی ایران نیز مطابق اصول ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۷ و ۳۹، حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شده و اصل را بر منع سلب آزادی گذاشته است و استثنای سلب آزادی افراد را به تبعیت از اسناد بین المللی حقوق بشر با حکم و ترتیبی که قانون مشخص نموده، مجاز دانسته است.

بنابراین در خصوص اقدام مداخله در حق آزادی فردی شهروندان، اغلب کشورها به قانون اساسی استناد می‌کنند (Klaus, 2003: 273)؛ لذا محدودیت در حقوق اساسی، دخالت در حقوق اساسی محسوب می‌شود. هنگامی که فرد مرتکب یک فعل مجرمانه شده و تحت تعقیب است، حقوق اساسی قربانی را نقض کرده و دولت موظف به حفاظت از حق اساسی قربانی است؛ بنابراین، دولت برای محافظت از قربانی و نیز از کل جامعه باید این جرم را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. اما در روند تعقیب جرایم، اگر دولت به شخص متهم مجازات خاص تحمیل کند، برای مثال در خصوص متهم یا مظنون بازداشت یا سایر قرارهای تأمین اجباری را اعمال نماید، این امر مداخله در حقوق اساسی مانند آزادی فردی است و با فرض برائت در تناقض است. از طرف دیگر، بین بازداشت و فرض برائت تناقض وجود دارد و سوءاستفاده از اقدام بازداشت خلاف روح فرض برائت است (Lin, 2013: 363). افزون بر این، فردی که تحت تعقیب قرار دارد، ممکن است مجرم واقعی نباشد و مجازات مداخله‌آمیز دولت خطا باشد؛ بنابراین، دولت باید یک سری حقوق دادخواهی را برای فرد تحت تعقیب برای دفاع از خود قائل شود تا مشروعیت رفتار دادرسی دولت را تاحدی اثبات کند. در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۱۲، دولت چین «احترام و حمایت از حقوق بشر» را در قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری خود گنجانده. به این ترتیب، حقوق بشر در سال ۲۰۰۴ وارد قانون اساسی چین شد: «حقوق بشر ارزش و کارکرد زندگی در کشور را برجسته می‌کند، و تبدیل حقوق بشر از اصول سیاسی به یک مفهوم حقوقی یکپارچه و اصول قانون اساسی، تغییرات اساسی در ارزش‌های ملی را موجب می‌شود». این نه تنها نشان می‌دهد که دولت به تحقق حقوق بشر به عنوان ارزش اساسی در جهت‌گیری قدرت عملکرد دولت می‌نگرد، بلکه نشان می‌دهد که قدرت دولت باید به طور منطقی محدود شود تا از نقض حقوق بشر از سوی قدرت عمومی جلوگیری کند (Li, 2018: 158).

در مورد اصل ۳۷ قانون اساسی چین چند نکته قابل ذکر است: نکته اول، در مورد مقام‌های صالح جهت تصمیم در خصوص دستگیری و تأیید آن است. تنها سه نهاد دولتی می‌توانند به دستگیری افراد مبادرت کنند: دادستان خلق، دادگاه خلق و نهادهای امنیت عمومی (پلیس). دستگیری زمانی آغاز می‌شود که در مراحل دادرسی به تصمیم و تأیید دادستان خلق رسیده باشد. «تأیید» دادستان خلق به منشأ دستگیری مظنون در مراحل بازجویی پرونده کیفری اشاره دارد که معمولاً زمانی است که مظنون از سوی اداره امنیت عمومی دستگیر شده باشد. «تصمیم» به عملکرد دادستان خلق یا دادگاه خلق در مورد لزوم نگهداری یا توقیف مظنون در زمان رسیدگی به اتهامات یا در جلسه رسیدگی دادگاه، اشاره دارد. مقامی که این «تأیید» یا «تصمیم» را اجرا می‌کند نمی‌تواند وظیفه‌اش را به نهادهای دولتی دیگر واگذار کند. در عین حال، برخی استثنایا در روش‌های تأیید و تصویب وجود دارد.

نمایندگان کنگره ملی خلق و نمایندگان کنگره در سطح کشوری و فراتر از سطح کشوری نمی‌توانند

بدون اجازه هیئت نمایندگی کنگره مربوطه دستگیر شوند یا زمانی که هیئت نمایندگی کنگره در جلسه حاضر نیست، رضایت شورای دائمی کنگره الزامی است. به علاوه اگر نماینده به دلیل جرمی دستگیر شود، سازمان امنیت عمومی باید بی درنگ به نهادهای کنگره ملی اعلام نماید. با توجه به دستگیری، حکم کیفری یا دیگر محرومیت‌های آزادی نمایندگان مجلس شهرستان یا روستا، سازمان امنیت عمومی باید به کنگره ملی هم‌سطح گزارش دهد؛ اگرچه اطلاع قبلی یا دریافت مجوز از کنگره ملی الزامی نیست. استثنای دیگر در رویه دستگیری، ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری چین است که اجازه بازداشت شهروندان را می‌دهد. این ماده مورد انتقاد اکثر حقوق دانان قرار گرفته است (Malmgren, 2013).

(۵۱) علاوه بر دستگیری، اقدامات دیگری در جهت محروم نمودن از آزادی در نظام دادرسی کیفری چین وجود دارد که شامل احضار کردن اجباری و بازداشت کیفری است. اقداماتی که جایگزین دستگیری هستند و آزادی فردی شهروندان را محدود می‌کنند، شامل آزادی به قید ضمانت و نظارت خانگی است. مورد اخیر شکلی از «دستگیری خفیف» است که غالباً از محدودیت‌های قانونی عدول می‌کند. از آنجا که نهادهای امنیت عمومی می‌توانند به‌طور دل‌خواهی این بازداشت خفیف را اعمال کنند، سطح خودسرانگی این مجازات به اعمال غیرقانونی حکومت شباهت دارد. ماهیت این اقدامات برای پیشگیری از نقض منافع عمومی، اجتماعی و شخصی است. به علاوه برای جلوگیری از فرار و شهادت دروغین و نگرانی‌های دیگری که در قبل و بعد از جریان دادرسی کیفری وجود دارد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نکته دوم، در خصوص محدودیت زمانی بازداشت و دستگیری افراد است. قانونی بودن هریک از اقدامات مربوط به بازداشت و دستگیری، مربوط است به اقدامات پلیس یا دادستانی خلق برای بازجویی متهم در طی ۲۴ ساعت برای به دست آوردن حقایق پرونده، و در صورتی که دلایل کافی نباشد، مظنون باید آزاد شود. در مواردی که پلیس دلیلی برای ادامه بازداشت دارد، باید به اطلاع دادستان برساند تا با دستگیری موافقت نماید. در عین حال باید یادآور شد وقتی دادستان در مورد اعمال دستگیری اظهار نظر می‌کند، تنها نظر به این دارد که آیا مدرک کافی در پرونده وجود دارد یا خیر. اما اینکه آیا ادله‌ای وجود دارد که ضرورت دستگیری را توجیه کند یا خیر، موضوعی است که معمولاً دادستان خلق نسبت به آن بی‌توجه است. (Wang, 2005: 147). همچنین قانون آیین دادرسی کیفری تصریح می‌کند که در طول ۲۴ ساعت، نهاد امنیت عمومی باید به اعضای خانواده یا نهادی که شخص به آن متعلق است دلایل بازداشت و محل نگهداری‌اش را اطلاع دهد؛ مگر در شرایطی که این اطلاع مانع بازجویی شود یا امکان اطلاع دادن نباشد. هرچند این قاعده باعث نظارت عمومی مؤثر نمی‌شود، چراکه مکانیسمی برای تضمین اینکه پلیس محرومیت از آزادی را گزارش می‌کند نیست و در این شرایط، احتمال سوءاستفاده از قدرت وجود دارد. چندین پرونده به دلیل این فقدان نظارت بر بازداشت پلیس ایجاد شده و اشخاص برای مدت طولانی از سوی پلیس دستگیر شده‌اند که اتهام و دستگیری قانونی وجود نداشته و در برخی موارد طول

بازداشت به ۳ تا ۱۴ یا حتی ۲۸ سال رسیده است. از نظر قانونی، ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری چین مقرر می‌دارد که نهاد امنیت عمومی باید تأیید دستگیری را ظرف ۳ روز از دادستان خلق بگیرد، اما در برخی موارد پیچیده مدت آن به ۳۰ روز گسترش می‌یابد. از آنجا که دادستان ۷ روز فرصت دارد تا بازداشت قانونی را اعمال کند، مدت زمان قانونی نگهداری بیشتر نزد پلیس ممکن است به ۳۷ روز برسد. سومین نکته، در زمینه اصل «قانونی بودن»^۱ حق آزادی اشخاص در قانون اساسی چین است. اصل قانونی بودن حق آزادی اشخاص، هرچند به شکل منفی، اما به وضوح در اصل ۳۷ قانون اساسی چین در بحث ممنوعیت کلی محروم نمودن غیرقانونی از آزادی، بیان شده است. اصل قانونی بودن از سوی گروه کمیته دائمی کنگره ملی خلق توصیف شده است که دو جنبه مختلف قانونی بودن را دربر دارد که اعمال آن، «نقض قانون»^۲ یا «غیرقانونی»^۳ تلقی می‌شود. اعمال «نقض قانون» به هر عمل محرومیت از آزادی شهروندان ا سوی هر شخصی که قانون صلاحیت این کار را به او اعطا نکرده است گفته می‌شود. از طرف دیگر، اعمال «غیرقانونی» به اقدامات غیرقانونی گفته می‌شود که هرکس از جمله نمایندگان دولت، نهادهای امنیت عمومی، دادستان خلق یا دادگاه‌های خلق می‌توانند با استفاده از ابزارها یا قدرت‌های فراقانونی آزادی اشخاص را سلب کنند. اصل قانونی بودن پایه اصلی پیشگیری از خودسرانه محروم نمودن از آزادی است، اما در صورت فقدان محدودیت‌های کلی تناسب و ضرورت ابزارهای اتخاذی، قانون یا فهم قانون ممکن است با ایدئولوژی یا کاربرد ابزارگرایانه قانون دچار کاستی و نقص شود. در نتیجه، به جای اینکه ضمانتی در برابر خودسرانگی باشد، الزام قانونی بی‌قید و شرط دست در دست ایجاد فرمالیته حقوقی می‌دهد، و نمی‌توان تصمیم گرفت که آیا یک اقدام اجباری تصریح‌شده قانونی معقول و متناسب است یا خیر. از آنجا که در چین سیستم مؤثری برای بازبینی قانون اساسی مقرر نشده است، بررسی اینکه این اقدامات اجباری مطابق قانون اساسی است یا خیر، بیشتر یک بحث دانشگاهی است (Malmgren, 2013: 56). در این زمینه یکی از مشکل‌آفرین‌ترین حوزه‌هایی که با قانونی بودن محروم کردن آزادی اشخاص در چین ارتباط دارد، قدرت پلیس در به کارگیری «اقدامات اداری اجباری» است. این اقدامات شامل بازداشت اداری^۴، جدایی برای درمان اجباری اعتیاد که جایگزین ترک اجباری سوء مصرف مواد است، «بازداشت برای آموزش» و «بازآموزی» از طریق کار است. سیطره منابع اصلی این اقدامات، شامل مقررات قانونی در زمینه بازداشت اداری است؛ از جمله «قانون مجازات اداری»^۵ و تصمیمات کمیته دائمی کنگره ملی خلق مانند تصمیم شورای دولتی در مورد «بازآموزی از طریق کار»^۶

1. Legality

2. Illegal

3. Unlawful

4. Administrative detention

5. Administrative Punishment Law (APL)

1. Decision on reeducation through labour

و «بازداشت برای سیستم آموزشی» است که تصمیم آن از سوی کمیته دائمی کنگره ملی خلق برای «ممنوعیت مطلق فاحشگی» گرفته شده است (Malmgren, 2013: 57).

نهایت اینکه، اگرچه ممنوعیت محروم نمودن آزادی شهروندان نسبت به هم مطلق نیست، استثناهایی وجود دارد که شامل اعمال محدودیت بر آزادی شخصی کودکان از سوی والدین، سرپرست یا قیم آنها برای تربیت یا آموزش دادن به آنان است. جلوگیری یا مداخله کردن در کار کودکانی که در معرض ورود به فعالیت‌های مجرمانه هستند، برای مثال می‌تواند از طریق ممنوع کردن آنان به خارج شدن از منزل یا اتاق باشد که عملی قانونی تلقی می‌شود. (Li & Zu, 2002: 433). بنابراین، تربیت کودکان باید متناسب باشد و اگر محدود کردن آزادی فردی از حد مشخصی بگذرد، نقض قانون و در موارد جدی‌تر، جرم سوءاستفاده در نظر گرفته می‌شود و مسئولیت کیفری دارد.

۳. مصادیق دستگیری و بازداشت غیرقانونی و خودسرانه در قوانین موضوعه چین

در سیستم حقوق کیفری این کشور مصادیق دستگیری و بازداشت غیرقانونی با مصادیق دستگیری و بازداشت خودسرانه متفاوت هستند؛ از این رو ایجاب می‌کند که هر کدام به صورت مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد.

۱.۳. دستگیری و بازداشت غیرقانونی

طبق رویه‌های اسناد بین‌المللی، مواردی که در زمره بازداشت‌های غیرقانونی تلقی می‌شوند، عبارت‌اند از: دستگیری و بازداشت‌هایی که منطبق با قوانین داخلی نیستند، دستگیری بدون مجوز در شرایطی که مجوز طبق قوانین داخلی مورد نیاز است، و نگه‌داشتن افراد در بازداشت برای دوره طولانی‌تر از آنچه که قوانین داخلی مجوز آن را می‌دهد. سیاست‌ها و رویه‌هایی که اجازه بازداشت یا دستگیری را بر مبنای نژاد، قومیت و خصوصیات دیگر می‌دهند، باید ممنوع شوند. از نظر رویه قضایی چین، بازداشتی غیرقانونی تلقی می‌شود که در نتیجه نقض مقررات بازداشت و دستگیری طبق «قانون آیین دادرسی کیفری» در خصوص شهروندان اعمال می‌شود و متعاقباً تصمیمی مبنی بر ردّ دعوی، عدم تعقیب و اعلام عدم محکومیت برای خاتمه مسئولیت کیفری صورت می‌گیرد (Yan&li, 2015: 19). بنابراین «بازداشت غیرقانونی» باید دو شرط داشته باشد: یکی اینکه بازداشت کیفری در نقض قانون اعمال شود و دوم، نتیجه حاصله این باشد که «متعاقب آن تصمیمی مبنی بر ردّ دعوی، عدم تعقیب و اعلام عدم محکومیت برای خاتمه مسئولیت کیفری صورت گیرد»^۱.

۱. برای دریافت اطلاعات بیشتر، نک: فلاح‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹). بررسی جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی در نظام کیفری ایران و چین. دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۵، شماره ۸۹، صص ۲۳۲-۲۳۷.

۲.۳. دستگیری و بازداشت خودسرانه

امروزه منع بازداشت خودسرانه یکی از هنجارهای حقوق بین‌الملل عرفی است که موضوع حق شرط قرار نمی‌گیرد و حتی در شرایط جنگی و حالت فوق‌العاده هم قابل تعلیق نیست. استانداردهای حقوق بشر بین‌المللی، دستگیری و بازداشت خودسرانه را ممنوع کرده‌اند. در متون بین‌المللی مختلف ویژگی مشترکی وجود دارد و آن اینکه از یک طرف بازداشت موقت یک استثنا شناخته می‌شود و از طرف دیگر محرومیت از آزادی نباید خودسرانه باشد. یکی از پیامدهای اصل آزادی و امنیت فردی، ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی است که شامل هر نوع محرومیت از آزادی اعم از کیفری و غیرکیفری می‌شود. این مورد شامل تمام اشکال محرومیت از آزادی همانند توقیف در خانه نیز می‌گردد. بازداشت هم از نظر قواعد ماهوی و هم از نظر قواعد شکلی می‌تواند خودسرانه باشد. از نظر ماهوی، بازداشت باید مبتنی بر دلایلی باشد که آن را تجویز و توجیه می‌کنند؛ به این معنا که بازداشت نباید شدیدتر و طولانی‌تر از آنچه شرایط آن را اقتضا می‌کند، باشد. کارگروه سازمان ملل در زمینه بازداشت خودسرانه، حکمی را از بابت بررسی دعاوی مربوط به محرومیت خودسرانه آزادی داده و مشخص کرده که محرومیت از آزادی در شرایط زیر به‌طور خودسرانه است که عبارت‌اند از: دستگیری و بازداشت بدون هیچ مبنایی در قانون. به‌علاوه، دستگیری یا بازداشتی که از نظر مقررات داخلی و ملی قانونی است، می‌تواند طبق استاندارد بین‌المللی خودسرانه تلقی شود.

از نظر حقوق دانان چینی، طبق اصل ممنوعیت خودسرانه بودن بازداشت تحت قوانین بین‌الملل و حقوق بشر، سیستم بازداشت فعلی چین در برخی موارد دارای سیستم بازداشت خودسرانه است. مواد ۱۱۴-۱۱۰ و ۱۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی، شرایط، اختیارات و مراحل مربوط به سیستم بازداشت قضایی را تصریح می‌کند. این قانون فاقد شرایط واقعی، معیارهای رویه‌ای و انواع ادله برای بازداشت قضایی است؛ فاقد مکانیزم تصمیم‌گیری، اجرا و پاسخگویی در خصوص بازداشت قضایی است؛ نظارت قانونی مؤثر و راهکارهای مؤثر قضایی برای بازداشت قضایی است. در قانون آیین دادرسی کیفری ۲۰۱۸، در مواد ۷۱، ۷۷، ۸۲ و ۱۶۵، شرایط و الزامات مربوط به سیستم بازداشت کیفری تصریح شده است. این قانون نیز فاقد استانداردهای خاص بازداشت کیفری است. نهادهای تصمیم‌گیرنده بازداشت کیفری متنوع هستند، هم دادستانی و هم نهادهای امنیت عمومی مختارند تا بازداشت کیفری را اعمال کنند؛ اعمال نظارت قانونی مؤثر در خصوص بازداشت‌های کیفری که از سوی نهادهای دادستانی انجام می‌شود دشوار است. همچنین ماده ۵۱ «قانون مجازات مدیریت امنیت عمومی» شامل «بازداشت اداری» است و حدود ۹۵ درصد از افعال غیرقانونی و مقررات کیفری و مجازات اداری را شامل می‌شود. مصادیق و موارد قانونی یادشده در خصوص بازداشت اداری در این قانون بیش از حد است و به یک معنای خاص، این قانون اساساً قانونی برای بازداشت اداری است که شخص را از آزادی فردی محروم می‌کند. بنابراین،

یکی از مواردی که موجب تشدید انتقاد از سیستم حقوقی چین شده، استفاده از اشکال مختلف بازداشت اداری است (Guan, 2017: 120).

بنابراین حقوق دانان معتقدند که یک سری سیستم شبه بازداشت در چین وجود دارد که فرد را از آزادی شخصی محروم می کند و می توان آن را نوعی سیستم بازداشت خودسرانه تلقی کرد؛ برای نمونه، به چند مورد اشاره می شود: اول، خودسرانه بودن سیستم بازداشت گمرکی. ماده ۶ «قانون گمرک» تصریح می کند که مظنونان کیفری قاچاق می توانند با تأیید کمیساریای گمرک به طور مستقیم و زیر نظر گمرک و با صدور مجوز کمیساریای گمرک مورد بازداشت قرار گیرند. محققان معتقدند که سیستم بازداشت گمرکی فاقد شرایط واقعی و شواهد لازم برای بازداشت است؛ از جمله نبود مکانیسم های تصمیم گیری و اجرای بازداشت و نیز پاسخگویی در قبال آن، عدم نظارت قانونی و راه حل های قضایی برای بازداشت.

دوم، خودسرانه بودن سیستم آموزش. بر اساس قانون «رویه های مربوط به آموزش روسپی ها»، نهادهای امنیت عمومی می توانند آموزش اجباری، کار و سایر اقدامات اجباری اداری در خصوص روسپیان را به مدت ۶ ماه تا ۲ سال بدون تحقیق و محاکمه دادگاه اجرا کنند. این سیستم همان سیستم پزشکی اجباری است که در ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری و سیستم اقدامات پزشکی محافظتی در ماده ۴۰ «قانون پیشگیری و کنترل بیماری های عفونی» پیش بینی شده است. این سیستم با قانون اساسی مغایرت دارد، قانون مصوب را نقض می کند و با ماده ۹ میثاق بین المللی هم در تضاد است. بنابراین، سیستم های یادشده به طور کلی مشروعیت خود را از دست داده و اکثر محققان بر این باورند که به جای تلاش برای بهبودی روند موقت آنها، باید این نوع بازداشت به طور کلی حذف شوند.

نهایت اینکه از نظر حقوق دانان چینی مفاد ماده های ۱۱۲ و ۱۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی؛ مفاد مواد ۷۱ و ۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری؛ مفاد مواد ۲۸، ۳۹، ۴۱، ۴۶، ۴۸، ۵۴-۵۵، ۵۸-۶۳، ۶۵-۷۱، ۷۴ و ۷۶ قانون مدیریت مجازات امنیت عمومی؛ ماده ۶ قانون گمرک در خصوص بازداشت گمرکی؛ ماده ۴۰ قانون پیشگیری و کنترل بیماری های عفونی در خصوص اعمال اقدامات پزشکی محافظتی؛ ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص اعمال اقدامات پزشکی اجباری؛ مفاد ماده بند ۴ ماده ۱۷ قانون مجازات در خصوص پذیرش اصلاح؛ مفاد ماده ۲۵ قانون اعتیاد به مواد مخدر در خصوص محرومیت از آزادی فردی و اقدامات و رویه های مربوط به آموزش روسپی ها، از جمله موارد بازداشت و دستگیری خودسرانه محسوب می شوند. این قوانین و سیستم های قانونی مربوط به بازداشت، می توانند در تضمین حق آزادی فردی مؤثر باشند، اما در مواردی با اصول و الزامات اساسی حمایت از حقوق آزادی فردی در ماده ۹ میثاق بین المللی مطابقت ندارند؛ زیرا این قوانین و سیستم های قانونی تا حدی، ناکارآمدی ها، محدودیت ها و کاستی ها را برای محافظت از حق آزادی شخصی آشکار می کنند. «یک سیستم حقوقی زمانی موفق خواهد بود که بتواند از یک طرف بین قدرت خودسرانه و از طرف دیگر قدرت محدود تعادل

ایجاد کرده، آن را حفظ نماید. اما این تعادل را نمی‌توان برای همیشه حفظ کرد و پیشرفت تمدن دائماً باعث عدم تعادل در سیستم حقوقی خواهد شد...» (E.boenhein, 1999: 14). به همین منظور، نهاد قانون‌گذار باید به صورت عقلانی، عادلانه و علمی، مبنای قانونی سیستم بازداشت را که مشروعیت خود را از دست داده است به موقع از بین ببرد و اعمال خودسرانه بازداشت کاملاً ممنوع شود.

۴. نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد، کشور چین در سال ۱۹۹۸ میثاق بین‌المللی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد در زمینه حق آزادی شخصی و استثنا بودن سلب آن در موارد قانونی امضا کرد و به اجرای مفاد آن متعهد شد. بنابراین، کاهش میزان دستگیری می‌بایست به نماد اصلی اصلاح نظام دستگیری در این کشور تبدیل می‌شد. ولی از نظر رویه قضایی میزان دستگیری در این کشور بالاست و دستگیری به یک هنجار تبدیل شده است و ارتکاب جرم در عمل به دستگیری منجر می‌شود. در پاسخ به این مشکل، قانون آیین دادرسی کیفری در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸ اصلاح شد و شرایط مربوط برای دستگیری، وضعیت مظنونان در هنگام بازجویی و بازداشت و معیارهای ارزیابی خطرهای اجتماعی، مشخص و تصحیح گردید. با این حال، افراد مسئول در نهادهای وابسته به دادسرا بر این اعتقادند که تعداد دستگیری‌ها هنوز بالاست و تعداد افراد دستگیرشده در پرونده‌های کیفری سراسر کشور بسیار زیاد است؛ یعنی رقمی نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر در سال. میزان بازداشتی هم با نرخ بالای ۸۰ درصد رو به افزایش است که باوجود شرایط اجتماعی نابسامان و ایجاد جرایم ناشی از آن، دستگیری هنوز به‌طور چشمگیر صورت می‌گیرد. بر همین مبنای حقوق‌دانان چینی در بعضی موارد در زمینه دستگیری و بازداشت غیرقانونی و خودسرانه انتقاداتی را بیان می‌کنند که سعی ما در این مقاله بیان دلایل و توجیهات این افراد بوده که در حد اقتضای حجم مقاله بیان شده است. درمجموع از بیان دلایل، انتقادات و پیشنهادها، موارد زیر قابل استنتاج است:

۱- نظارت قانونی بر بازداشت. قانون اساسی تصریح می‌کند که دادستانی خلق از اختیار اعمال نظارت قانونی بر بازداشت برخوردار است. مرجع نظارت قانونی دولت است اما دولت مرجعی نیست که از اختیار صدور حکم بازداشت برخوردار باشد. برای این منظور، نخست، باید دادستانی خلق نظارت و رسیدگی به پرونده‌های بازداشت را انجام دهد. قرار تأمین اجباری که برای محرومیت از آزادی از سوی دستگاه‌های قضایی مقرر در قانون اعمال می‌شوند باید مورد بررسی قرار گیرند؛ بنابراین، بعد از اعمال اقدامات دستگیری یا بازداشت، نهادهای قضایی باید بررسی‌های منظم را انجام دهند. در عین حال، محتوای بررسی قضایی این است که آیا تصمیم به اعمال محدودیت آزادی شخصی «تصمیمی منطقی، لازم و

مناسب بر اساس شرایط خاص» است؛ یعنی نهاد قضایی باید بر اساس ماهیت متفاوت هر پرونده و شرایط خاص فرد مظنون، حکمی با استدلال، ضرورت و متناسب صادر نماید. دوم، باید استانداردهای نظارت و بازرسی یکپارچه تعیین شود. تمایز دقیق و روشن بین قانونی بودن و غیرقانونی بودن بازداشت و دستگیری، نقض قانون و ارتکاب جرم، و نیز با توجه به شرایط پرونده، وضعیت و مدت بازداشت تعیین شود تا عادلانه و منصفانه باشد. سوم، نظارت قانونی بر کل مراحل بازداشت، نظارت و بررسی در تمامی مراحل ثبت پرونده، تحقیق، گردآوری شواهد، اطلاع‌رسانی، استماع عمومی، اجرای حکم و آزادی قضایی باید انجام شود. چهارم، نظارت کامل و بازبینی کل پرونده بازداشت. باید نظارت به این صورت باشد که آیا مواد موضوعه روشن است، آیا شواهد کافی است، آیا این روند قانونی است، آیا قانون قابل اجرا صحیح اعمال شده و آیا تنبیه بدنی یا ضرب و شتم در خصوص فرد بازداشت‌شده انجام شده است و آیا شواهد غیرقانونی و سایر اقدامات غیرقانونی وجود دارد.

۲- مهلت قانونی بین بررسی ضرورت بازداشت و حکم دستگیری. وجود مفاد قانونی مفصل در این زمینه می‌تواند موجب حمایت مؤثر از حقوق قانونی بازداشت‌شدگان و جلوگیری از خودسرانه بودن بازداشت و دستگیری شود. قانون آیین دادرسی کیفری چین و تفسیرهای قضایی مرتبط، فاصله بین بررسی بازداشت و حکم دستگیری، دفعات بررسی بازداشت و غیره را مشخص نمی‌کند. طبق مفاد قانونی، مدت تحقیق و بررسی بازداشت پس از دستگیری مظنون کیفری عموماً می‌تواند تا دو ماه به طول انجامد و این وضعیت حقوقی تمدید می‌شود. بنابراین در شرایط عادی، دستگاه قضایی می‌تواند ضرورت بازداشت را به صورت ماهانه از تاریخ دستگیری بررسی کند. در صورت عدم رعایت شرایط بازداشت، فرد مظنون باید به‌موقع آزاد شود. پس از اتمام دوره بررسی ضرورت بازداشت، مطابق با شرایط قانونی، ضرورت بازداشت فقط پس از انقضای مدت تمدیدشده بررسی خواهد شد.

۳- ایجاد نهاد تفسیر قانون آیین دادرسی کیفری. در این زمینه برخی حقوق‌دانان چینی معتقدند که درخصوص اصلاح سیستم بررسی دستگیری و بازداشت، باید از پرداختن به اصلاح قانون‌گذاری پا را فراتر نهاد و از روش تفسیر حقوقی قانون استفاده کرد؛ از طریق تفسیر قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری، پایه و اساس اصلاح سیستم دستگیری مشخص شده، در چارچوب قانون فعلی سیستم دستگیری در سایه نهادهای دادستانی اثبات و ایجاد خواهد شد. بهبود دادرسی بر مبنای بررسی دستگیری عملی‌ترین طرح اصلاح در حال حاضر است. مدتهاست که مطالعه تفسیر قانون آیین دادرسی کیفری از این امر عقب مانده است. با این پیش‌زمینه که مطالعه تطبیقی، تحقیق تجربی و سایر روش‌های تحقیق سنتی هستند، لذا تفسیر قانون به قهقرا گراییده است. از این رو، قانون آیین دادرسی کیفری و تفسیر آن اساساً پیشرفتی نداشته است. اما خوشبختانه در سال‌های اخیر روش تفسیر حقوقی در مطالعه قانون آیین دادرسی کیفری رو به افزایش بوده است و تجربه تفسیر حقوقی به یک رشته تحصیلی جدید در مطالعه

قانون آیین دادرسی کیفری تبدیل شده است. محافل نظری و عملی باید از این فرصت استفاده کنند تا از قانون آیین دادرسی کیفری دفاع نمایند. از طریق گفتگو، ارتباط و بحث و مناظره در کارگروه‌های حرفه‌ای حقوقی، به تدریج جامعه نظری با دیدگاه‌های متنوع شکل می‌گیرد و به تدریج اجماع در مورد موضوعات اساسی حاصل می‌شود. ایجاد این جامعه نظری نه تنها به از بین بردن سوء تفاهم‌ها و تفسیرهای غلط از قانون آیین دادرسی کیفری کمک می‌کند، بلکه به پیشرفت و اصلاح عدالت کیفری نیز می‌انجامد. این حقوق‌دانان از توسعه قانون آیین دادرسی کیفری برای ترویج اجرای قانون آیین دادرسی کیفری و جبران کاستی‌های اصلاح قانون دادرسی کیفری دفاع می‌کنند، اما از تفسیر تک‌بعدی قانون آیین دادرسی کیفری دفاع نمی‌کنند که به معنای محدودیت‌های موجود در آن است. همچنین اظهار می‌دارند که بررسی و تغییر وضعیت مطالعه تطبیقی در مطالعات تفسیر حقوقی در قیاس با سایر رشته‌ها، موجب غنی‌سازی و تعمیق مطالعه قانون آیین دادرسی کیفری می‌شود. بسیار ضروری است که در مورد کمبودهای خود قانون تأمل کنیم و از تفسیر متقابل قانون و حقوق و علوم اجتماعی یا سایر رشته‌ها دفاع نماییم؛ بنابراین مهم‌ترین کار در حال حاضر جهت بهبود سیستم دستگیری و بازداشت، تفسیر قانون آیین دادرسی کیفری است.

References

1. Aghamajidi, Terife (2021). *Criminal Procedure Law Of People Republic Of China*. Tehran:jahes ([In Persian](#)).
2. Ashouri, Mohammad (2004). *Concepts of Justice and Fairness from the Perspective of the European Convention on Human Rights, Collection of Articles*. University of Tehran: Criminal Sciences and Criminology Research Institutes ([In Persian](#)).
3. Chen, Ruihua (2010). *Comparative Criminal procedure Law*. Renmin University of China Press.
4. Chen, Guangzhong (2013). *Annotations and Comments on the Revised Articles of the Criminal Procedure Law of the People's Republic of China*. Beijing: People's Court publishing house. DOI: 10.22059/JCL.2022.344424.634378.
5. E, Bodenheimer (1999). *Legal philosophy and legal methods of Jurisprudence*, Translated by Deng Zhenglai. Beijing: China University of political Science and Law Press.
6. Fallahnezhad, Fateme (2020). *Fair Trial in the Criminal Procedure Process of the Criminal System of the People's Republic of China Based on a International Documents. PhD Thesis*. Supervised by Jafar Koosha. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch, Faculty of Law. Defense Date 1399/10/03 ([In Persian](#)).
7. Fallahnezhad, Fateme (2022). Judicial Independence and Impartiality is a Manifestation of Fair Trial in Order to Protect the Rights of Citizens; the Legal System of the Islamic Republic of Iran Compared to the People's Republic of China. *Comparative Law Review*. 13(2), 737-775. DOI: 10.22059/JCL.2022.344424.634378 ([In Persian](#)).
8. Fallahnezhad, Fateme; koosha, jafar; ashoory, mohammad & goldoust rajabali. (2020).

- Study of compensation for illegal detention in the penal system of Iran and the People's Republic of China. *Judicial Law Views*, 25(89), 223-250. https://jlviews.ujss.ac.ir/article_703606.html (In Persian).
9. Fazaeli, Mustafa (2014). *Fair Trial in International Criminal Trials*. Tehran: Shahrdaresh (In Persian).
 10. Guan, yin (2017). Prohibition Principle of the Arbitrary Detention and Its Revelation. *journal western law review*, (1), 116-123. <https://wenku.baidu.com/view/bc138c5aff0a79563c1ec5da50e2524de418d0e0.html>.
 11. Hashemi, Mohammad (2005). *Human Rights and Political Freedoms*. Tehran: Mizan (In Persian).
 12. Huang, Taiyun (2012). *Interpretation of the revision of Criminal Procedure Law*. people's Procuratorate, (8), 30-45. <https://www.faxin.cn/lib/flwx/FlqkContent.aspx?gid=F68215>
 13. Katouzian, Naser (1998). *Fundamentals of Public Law*. Tehran: Dadgostar (In Persian).
 14. Klaus, Rocoxin.(2003). *German Code of Criminal procedur.*, translated by Wu Liqi. Law Press.
 15. Lang, Sheng (2012). *revision and application of the Criminal Procedure Law of the People's Republic of China*. Beijing :Xinhua press.
 16. Li ,Xunhu (2018). *An interpretation of the reform of arrest system from the perspective of legal interpretation*. Legal Studies, (3), 155-167. <http://law.newdu.com/uploads/202401/31/201803104624.pdf>
 17. Li S, Zu T. (2002). *A new interpretation of the application for accusation*. Beijing: China Public Security University Press.
 18. Lin, Yuxiong (2013). *criminal procedure Law*. Taiwan Yuanzhao Publishing Co, Ltd.
 19. Malmgren, Otto (2013). Article 37: The right to liberty of person under the Chinese constitution. *China –EU Law J*, 2 (1-2), 35-67. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12689-011-0002-9>
 20. Mehra, Nasrin (2013). *The Encyclopedia of English Criminal Law*. Tehran: Mizan (In Persian).
 21. Sun, Maoli & Huang, He (2016). Research on Issues Related to Arresting Social Dangers. *People's Procuratorate*. (6), 28-34
 22. Wang, J. (2005). *Thoughts on China's System of Pretrial detention—What it is and What it should be*. In *Reform and prospects of criminal pretrial procedure*. Fan Chongyi. Beijing: ed Public Security Press.
 23. Xie, P. (1999). *The basic rights of workers*. Beijing:China Social Sciences Academic Press.
 24. Xifen, lin, & Wei, Shen (2016). Reforms to China's pretrial detention system: the role of the procuratorate. *International Journal of Law, Crime and Justice*, (44), 183-211. <https://doi.org/10.1016/j.ijlcrj.2015.09.002>
 25. Xu, C ed. (1996). *The Chinese constitution*. 2nd ed. Beijing:China Renmin University Press.
 26. Yan, Mei & Li, Na (2015). Thoughts on the Public Security Organs' Compensation for Criminal Detention. *Journal of Liaoning Police College*, 2(94), 18-22. <https://www.faxin.cn/lib/Flwx/FlqkContent.aspx?gid=F571616>
 27. Yang, Yuguan (2003). *Human Rights Law: a study of the International Covenant on the Rights and interests of the Public and the Government*. Renmin Public Security

- University Press.
28. Yanyou, Yi (2008). *Arrest as Punishment: The Abuse of Arrest in the People's Republic of China*. Punishment & Society, 10 (1), 9-24.
<https://doi.org/10.1177/1462474507084195>
29. Zhang, Mingkai (2016). *Criminal Law*. Law press edition.
30. Zhou, W. (2003). *Judicial remedies and basic rights in the constitution*. Beijing: Chinese Public Security University Press.
31. Zinan, Chen (2015). *On the prohibition of arbitrary and illegal arrest and detention*. Journal of Shanghai University of Political Science & Law, 30 (3), 26-33.
<https://www.criminallaw.com.cn/article/default.asp?id=13950>

مقاله آماده انتشار